

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید موسی عثمان هستی
۰۳.۱۲.۰۹

مشت های خینه شده سرگینی راباز می کنم.

به ملک خوددو باره رحلت کنیم ما
بکاریم تخم دوستی محوالت کنیم ما
ملیت های خودرا یک ملت کنیم ما
بجای رشوت وقاچاق عدالت کنیم ما

قسم وعده میخواستیم که سر خانواده علیخان تتمدره ای وکشتن صحبت خان طلایی پسر ارشد علیخان تتمدره ای که به اثر توطئه انگلیس کشته شد روشنی انداخته باشم ولی ایمیل های زیاد گرفتم که بهتر است آن موضوعات تاریخی گذشته را که آینه روشن اوضاع داغ سیاسی روز شده می تواند، در نظر گرفته زوایای تاریک آن را با برق قلم که درخم وپیچ تاریکی قرارداد روشن سازم

همیشه قلم ناتوان من که پای املاء وانشاء آن شکسته است، در خدمت خوانندگان قرارداد و لنگ لنگان بسوی برآوردن فرمایشات آنها می روم این هفته هم سردولت پوشالی کابل که در بغل تفنگ سالاران، قاچاقبران، اختطاف گران، رشوت خواران و جنایتکاران سه و نیم دهه بستر بی شرمی به کمک استعمارگران هموار کرده واز درون بستر پرقوی استعمارگران حکم فرمایی می کندم نظرم می باشد. به سبب تائید حرفهای خود نخست شعر شاعرانقلابی سر زمین ما را که پیشتر ازچهل سال قبل سروده بود، می آورم

چرا غم میخوری آقا می آید
بما گنمدم ز امریکا می آید
جناب انگلیس با میلمه پالش
همان دوست قدیم ما می آید

آری این بیت راچهل سال قبل شاعر انقلابی وطن ما زمانی سروده بود که انگلیسها انتر کانتیننتال (را در سر گردنه باغ بالا درپهلوی "پیر بیلان" بنا کردند شاعردیروز نا بسامانی های امروز را با این بیت پیش گویی کرد ودر ضمن از ملت خواست که به "پیر بیلان" (انگلیس کوری که در نقش روحانی بود بعد ها به نام "پیر بلند" مسما شد، نروند) این شاعر وطن پرست متأسفانه در راه دشت اوپیان پروان بخاطر تقبیح قرار داد سالنگ ترور شدروانش شاد.

امروز بیت فوق تمثیل واقعیتها شده می تواند.

چهارشنبه ۰۲ دسامبر ۲۰۰۹ - ۱۱ قوس ۱۳۸۸

رئیس جمهوری آمریکا طی نطقی که در یک دانشکده نظامی "وست پوینت" در نیویورک ایراد کرد ستراتیژی تازه خود را در مورد افغانستان تشریح نموده و اعزام ۳۰ هزار سرباز رابه کشور افغانستان بعد از مذاکرات طولانی با مشاورین و مهندسین جنگ و سیاست بحیث سر قومندان اعلی نظامی امریکا دستور داد. اینکه این عساکر چه کمک به ثبات افغانستان و منطقه می کند و اقامت آنها چقدر طول می کشد زمان آن را نه ما تعیین کرده می توانیم و نه قشون استعمار گر. گرچه تحلیل گران چگونگی رویکرد عساکر امریکا به خروج نهایی از افغانستان را که اوپاما توضیح داد بخاطر یکه بعد از هشت سال اولین دفعه از طرف اشغال گران گنگ وزیر زبانی دور افتاده به زبان دیپلوماسی به مدیا داده شد فال نیک گرفتند خصوصاً همسایه های افغانستان که در بی ثباتی افغانستان دایماً نقش غیر انسانی خود را ایفا کرده اند.

چون همسایه های ما می دانند که افغانستان کهن بعد از جنگ های طولانی خصوصاً در ظرف سه و نیم دهه به یک طفل نوپا برگشته هر گاه دایه های حمایتگر آن پا بفرار بگذارد این طفل یتیم دوباره به دسترس ما قرار می گیرد.

گرچه قبلاً سبب نابسامانی افغانستان همین استعمار گران بخاطر نزدیک شدن داوود مستبد با روس ، گرفتن انتقام نیاکان شان از ملت افغانستان ، انتقام ویتنام از روس ، بخاطر شگست جنگ سرد در منطقه و جهان، بی سنجشی ملت افغانستان وزیر تا ثیر رفتن مذهب و دین، تبانی شورای نظارشاخه حزب بدنام ساخت آس آی پاکستان جمعیت اسلامی باروس، دوگندگی حزب دموکراتیک خلق ، سقوط دولت حزب دموکراتیک خلق ، از بین بردن اردوی افغانستان توسط مجاهدین ، جنگهای تنظیمی و حزبی مجاهدین در کابل و سرتا سر افغانستان و سقوط و پاشان شدن روس، در ظاهرها کردن امریکا و غرب افغانستان را بدست یک مشمت جاهل خداناترس بی خبر از دین و مذهب بنام مجاهد و طالب به کام همسایه ها برد و ساختن طالب و القاعده توسط امریکا و انگلیس سبب برپادی افغانستان شد تا آنکه بالاخره حادثه ۱۱ سپتمبر بهانه تجاوز بر افغانستان و عراق گردید .

به بهانه طالب و القاعده ، سلاحهای مخرب جنگی و نبودن دموکراسی پای تجاوز گران را در عراق و افغانستان باز کرد.

بعد حادثه سپتمبر ۱۱ سال ۲۰۰۱ امریکا با متحدین شان به موافقه شورای نظار و دیگر دار دسته مجاهدین ، سلطنت طلبان، داوود پرستان ، حزب دموکراتیک خلق ، جنگ سالاران بعد از مجلس بن در آوردن استعمار و آبادی و ویرانی افغانستان سهم دارند.

در اول این تجاوز را برخی از ملت افغانستان که بجای مار از رسیمان دراز ترسیده بود کشیدن طالب مزدور ظالم بی خدا و بی خبر از انسانیت را فال نیک گرفته بودند و فکر می کردند که دالر پوند یورو ریال و کلدان مانند برگ از درختان افغانستان بخاطر قدم نیک استعمار گران می ریزد این حدس درست هم بود از زمین و آسمان پولهای بدون حساب و محاسبه سرازیر شد اما این پول ها را هم باز هم در دامن جنایتکاران سه و نیم دهه چپ و راست و در دامن مزدوران سابقه خود استعمار گران ریخت و پاکستان ما نند جنگ زمان روس از ثروت سرشار دوباره متجاوزین سود جست و یکمقدار این پولها را بخاطر نارامی و بی ثباتی افغانستان و دولت احمق و استفاده جوی افغانستان بمصرف رساند، در تقویه القاعده و طالب بخاطر زدن هند و ایران و خصوصاً افغانستان، در ساختن مدارس دینی و هابی به غرض تربیه و مغزشویی اطفال یتیم افغانستان بخاطر جنگ و سوسایت بم کمی از این پول هارا بمصرف رساند و یک مقدار ناچیز به خاینین طالب و القاعده داد متباقی را به جیب های خود و دولت خود زدند.

امریکا به اثر تحریک و شیطننت انگلیس که پایش در عراق بند بود به عساکر انگلیس در افغانستان موقع مساعد شد توانست تا طالب مزدور را که ساخت و تربیه خود انگلیس بود دوباره به کمک انگلیسها روشد دهد و از خواب زمستانی دوباره از مخفی گاه های خود بکممک آس آی و نظامی

های پاکستانی داخل افغانستان با سوسایت بم ها بفرستد حتی آشکارا انگلیسها در زابل قلات و هلمند از طریق هوا وزمین به طالبان مزدوراسلحه نظامی و پول رساندند و آنها را تقویه کردند و در این اواخر به موافقه حکومت کرزی بخاطر ترساندن قومندان عطاء وروس ها توسط هلیکوپترهای نظامی طالبان والقاعده را بشمال افغانستان انتقال دادند امریکا و غرب غیر از اینکه در عراق و افغانستان در گیر بودند بخاطر ادامه وبقای خود وادامه جنگ در افغانستان نه جلو انگلیس را گرفتند و نه دولت پاکستان را تحت فشار قرار دادند تا اینکه بگفته "اوپا ما رئیس جمهور امریکا" افغانستان چند سال به عقب برگشت. هنوز هم انگلیس در افغانستان و پاکستان به طالب کمک می کند و پاکستان در این ردالت متحد انگلیس است چنانچه سران طالب را از کویته به کراچی انتقال دادند و این کار انگلیس و پاکستان نشان می دهد که پاکستان و انگلیس در زدن طالب والقاعده هنوز هم صادق نیستند چه ما بگوییم و یا نگوییم زمان این پیش گویی را ثابت می کند امریکا قبلاً در فکر این بود که ادامه جنگ واز بین نبردن طالب والقاعده بخاطر بقای نظامی ، اقتصادی و سیاسی آن در منطقه به نفع امریکا است چنانچه امریکا می دانست که پای گاه طالبان والقاعده دیگر در افغانستان نیست و در پاکستان است و حملات خود را از طریق پاکستان به افغانستان انجام می دهد اما دولت پاکستان راتحت فشار قرار نمی داد و او را متحد صادق خود در جنگ با طالب والقاعده می دانست.

به مرور زمان تلفات نظامی ناتو و امریکا بیشتر شد سر و صدای مردمان دولت های استعمارگران بلند شد و بخاطر کشیدن عساکر از افغانستان به مظاهرات خیابانی دست زدند و هم طالب والقاعده و آی اس آی روز بروز در دامن انگلیس قرار می گرفت دامنه قاچاق مواد مخدر، اختطاف اطفال و فحشاء و بردن یورانئوم از هلمند توسط انگلیس ها و پاکستانی ها آغاز و سبب تقویه پاکستان و انگلیس در منطقه شده از طریق این تقویه مادی و معنوی نامشروع نفوذ القاعده و طالب در منطقه بیشتری گردید و افغانستان بشکل یک ویتنام به امریکا تبدیل می شد

کشته شدن خانم بینظیر بهتو و سوسایت بم ها خصوصاً حمله های روز روشن در وزات عدلیه و در جای بود و پاش افراد ملل متحد و هتل سرینا کام سیاسی امریکا را بالا کرد گرچه از حرفهای خانم کلینتون طوری معلوم می شود که کارد بر استخوان رسیده او در یک کنفرانس مطبوعاتی در این اواخر در پاکستان گفت ما و جهان قبول کرده نمی توانیم که حکومت پاکستان از مخفی گاه های سران القاعده و طالب بی خبر است در حقیقت یک گوشزد مقدماتی پیش از تصمم "اوپاما" در قسمت افغانستان و پاکستان بود این حرف را امریکایی ها در هشت سال تجاوز شان نگفته بودند

حالا که امریکا کمی جدی شده ببینیم که دولت پاکستان در سرکوبی القاعده و طالبان افغانی و پاکستانی به خاطر امریکا صادقانه عمل می کند و یا با کودتای نظامی آب در گلوی طالب والقاعده می ریزد جنگ را دوام دار و خسته کن می سازد

پاکستان بخاطر هند و افغانستان کوشش می کند که تا جای امکان بکمک انگلیس جنگ را دوام بدهد و امریکا و متحدین امریکا را خسته بسازد و اینکه امریکا چطور می تواند از قیان مکر و حرام زادگی انگلیس و پاکستان خود را نجات بدهد و افغانستان به یک ویتنام تبدیل نشود هنوز هم کس نمی داند که چه نیم کاسه ها زیر کاسه سیاست قرار دارد

گرچه تحلیل گران به اشتباه رفته اند که امریکا از افغانستان خارج می شود و در صدد ساختن یک اردوی چهارصد هزار و پولیس دوصد هزاری است و بخش عمده جنگ را تا سال ۲۰۱۱ بدوش دولت کابل می گذارد و اینکه چقدر زمان طول می کشد که امریکا آماده خروج تدریجی از افغانستان شود این را هم زمان ثابت می کند

امریکا خروج تدریجی عساکر خود را از افغانستان اعلان کرده نگفته تا این سال تمام عساکر ما از افغانستان خارج می شود

اگرچه "اوپا ما" گفت که ما در فکر اشغال افغانستان نیستیم شاید بخاطر تغیر ذهنیت منطقه انتخابات دوباره خود و آرام ساختن مردم امریکا این حرفها را زده باشد ولی ما می بینیم که هنوز

در عراق بیشتر از صد هزار عسکر دارد در حال ساختن پایگاه های نظامی در عراق است و در افغانستان هم در فکر ساختن میدان های هوایی بخاطر روز مبادا و پایگاه های هوایی خصوصاً در قسمت های پامیر و ساختن زندانهای وحشت ناک است

القاعده و طالبان که امروز به یک مشکل جهانی تبدیل شده اگر امریکا بدون سر کوبی طالب و القاعده افغانستان و منطقه را ترک می گوید چطور می تواند که سلامتی خود و متحدان خود را حفظ کنند و این را امریکا درک کرده اگر طالب و القاعده شگست نخورد و پایگاه های خود را در این مناطق نسازد در حقیقت چانس طلایی را از دست می دهد آسیای میانه بدست چین و روس و انگلیس می افتد در آن صورت بعد از یک تلفات غیر قابل تلافی مجبور است که حتی روباه هارا هم در منطقه سهم بدهد و شمال جنگ خود را تکانه از منطقه خارج شود

امریکا غیر از مهار کردن طالب و القاعده راه دیگری ندارد شرایط برآمدن از ویتنام و یابراین روس از افغانستان ویا بر آمدن انگلیس و فرانسوی ها ویا دیگر اورپایی ها از مستعمرات شان با شرایط امروزی فرق می کند و قتیکه امریکایی ها از ویتنام رفتند ویا اورپایی ها از مستعمرات خود به زور کشیده شدند ویا روس از افغانستان ویا انگلیس برآمد، کسی نبود که دنبال شان برود ولی اگر امروز غرب و امریکا شگست در برابر طالب و القاعده می خورد القاعده اکتفاء به برآمدن امریکا نمی کند فعلاً جهان در برابر یک دشمن خود ساخته خطرناک با یک آیدیالوژی محکم مذهبی قرار دارد که فکر تمام جهان را بخاطر اسلام شدن و مذهب و هابی در سر می پروراند و از خطرناکترین سلاح که سوسایت بم باشد استفاده می کند و قربانی را شرط موفقیت خود دانسته پس به این اساس امریکا تا لانه های القاعده و طالب را سرازیر نکند و تا زمان در خطر جدی قرار نگیرد اگر به تجزیه خود و قد علم کردن جهان علیه خود هم روبرو شود فکرنمی کنم که میدان را به دیگران در منطقه رها کند

در حالیکه امریکا جنگ افغانستان را تنها جنگ با امریکا نمی داند جنگ جهان می خواند و متحدین غربی خود را در پهلوی خود دارد و در ضمن از دست رسی القاعده به سلاح های کشتار جمعی در پاکستان هوشدار باش به همزمان و همکاران غربی خود می دهد و این ترس متحدین امریکارا بدورش محکم و محکم تر می سازد و ضعف هم در قدرت امریکا دیده نمی شود به فکر من تا پاکستان و منطقه را چلوصاف نسازد و جنگ را مستقماً داخل پاکستان نبرد و بدون تغییر نقشه دنیا امکان برآمدن امریکا نیست وقتی خواهد برآمد که نقشه منطقه را تغییر داده باشد ویا اطمینان پیدا کنند که از واشینگتن به دستورش منطقه را اداره می کند ورنه امریکا روبه فرار پیش و دشمن در عقب آن فکر نمی کنم که امکان داشته باشد و این هم دور از امکان نیست که یکتعداد مزدور القاعده و طالب را که عادت مزدوری و گرفتن پول دارند و آراسته با آیدیالوژی دینی و مذهبی نیستند بشکل جاسوس در بین بنیاد گرایان خود را جا زده اند امریکا بشکلی بخاطر روز مبادا در بغل بگیرد که این هم دور از امکان نیست و گرفتن این نوع افراد به معنی آن نیست که امریکا دشمن خود را نمی زند و از منطقه می برآید

حرفی را که امریکا امروز می زند که من با ساختن یک اردوی منظم و کارآمد از افغانستان بشکل تدریجی خارج می شوم سوال در این جا پیدا می شود

که بعد از رفتن "جامعه بین المللی" بخوانید نیروهای اشغالگر که این عساکر و پولیس را از نگاه مادی و معنوی می تواند کمک کند و سبب ادامه یک نظام شود بعد از رفتن آنها کی می تواند این قیماق خوران را با نان جواری نگهداری کند

این مانند عساکر اجباری دوساله نیست معاش عسکر امروزی بالاتر از معاش وزیر دفاع شاه و حزب دموکراتیک خلق می باشد

این سؤالی است که عمق پای استعمار را در افغانستان ارزیابی می کند اگر اینها به ملت افغانستان و به فکر نجات افغانستان و بر آمدن خود می بودند منطقه را به آشوب نمی کشیدند اردوی یکصد و پنجاه ساله کم مصرف افغانستان را از بین نمی بردند و امروز سبب

عسکر مزد گیر نمی گشتند و قتیکه به اردوی منظم یکصد و پنجاه ساله ما یک پف ضعیف طوفان نوح شد بخاطر از بین بردن این اردوی مزد گیر ضرورت به پف هم ندارد. آنها عادت کرده اند که منافع شان بیشتر در تفنگ سالاری است نه در یک اردوی منظم. فعلاً هندو را از مجبوری مثل من برادرمی گویندورنه این اردو هم از ماران آستین ساخته شده است این دروغ های شاخدار است که ما عساکر نمی فرستیم حکومت کرزی فاسد است. افغانستان ویتنام دیگر است افغانستان به مرکز فحشاء ، موادمخدر، اختطاف زن و مرد و طفل و رشوت و چور و چپاول تبدیل شده در حالیکه همه چیز توسط خودشان صورت گرفته امروز بخاطر بقای خود بسر مزدور خود کرزی و ملت افغانستان می زنند ما اینهارا در بین سه و نیم دهه شناختیم و اینها ملت مارا. این حرفها مفت است اگر نمی خواستند که کرزی و دارودسته آن دوباره روی کار بیاید کرزی و دار و دسته کرزی جرأت یک روز ماندن را نداشتند و ندارند این حرفها موش و پیشک بازی است

یازده سپتمبر به استعمار بهانه شده

این دشمنک ما صاحب خانه شده

مامرغ اسیر قفس صیاد ظالم شدیم

اوصاحب خانه مردم مایبگانه شده

فکر می کنم که از خواندن این نوشته که در لابلای خود درد و غم و مصیبت را دارد شما خسته شده باشید و هم عنوان نوشته من شمار را به تعجب انداخته باشد لذا به یک طنز کوچک و خنده دار ضرورت دارید.

در ولایات افغانستان معمول است که یک دختر و یا پدر دختر حاضر نشود که دختر خود را بکسی بدهد کسی که علاقه مند دختر است خود را در صدکوه و دشت و آب کثافت می زند تا به مطلب خود برسد

دخترکی یک مرد را در یک قریه نمی گرفت و پدر دختر و مادر دختر هم تن به دادن دختر نمی دادند سرانجام دخترک را به یک جوان دیگر دادند شب عروسی فرارسید کسی را که نداده بودند پیش ملای مسجد که در حرام زادگی شهرت داشت رفت گفت ملا صاحب از شما جداً خواهش می کنم که دختر را نکاح نکنید ، ملا گفت بخاطری که من دختر را نکاح نکنم شما سر دختر ادعای نامزدی کنید.

مرد گفت همین کفایت نمی کند که همه اهل قریه خیر شده که من طلبگار و خوشدار دختر هستم ملا می گوید نی تو امشب یک تخت خینه بساز چند شمع در آن بگذار با یکتعداد رفقای خود دنبال خان پدر دختر برو بگو امشب ما تخت خینه آوردیم و فردا نکاح می کنیم مردیکه برآن دختر داده نشده می گوید ملا صاحب حالا ناوقت است دکان ها محکم شده من چطور می توانم تخت خینه بسازم نقل از کجا کنم شمع از کجا کنم خینه از کجا کنم ملا می گوید شب تاریکی است یک غوری یاپنوس بزرگ را پیداکن در روی آن سرکین گاو را هموار بساز جای شمع چهار الکین در چار طرف پنوس بگذار جواری را در آتش پله بساز (یعنی نقل چوبی) و روی پنوس پاش بده دست خود و رفقای خود را هم با همین سرکین گاو خینه کن یک نفر پیشروی تخت خینه بازی کرده بروند دیگران در عقب شاد مانی کنند در حقیقت قسم تودرست می شود فردا سر دختر دعوا کن من دعوی تربهانه می گیرم دختر را نکاح نمی کنم

مرد طلبگار همین کار را می کند و قتیکه به در دروازه صاحب خانه می رسد تصادفاً جانب مقابل هم تخت خینه آورده برخوردار شروع می شود در عین زد و خورد دست یکی از رفقای طلب گار ناحق را باز می کنند می بینند که بجای خینه سرکین گاو است.

امروز هم گرچه استعمارگران می دانند که از جمله طلبگاران دعوی جلب هستند و مشت بسته شان باز شده باز هم بر روی خود نمی گیرند بادست (گ ..) پُر به دعوی جلبی ادامه می دهند